**بنام دوست يكتا**

ای احزاب مختلفه باتّحاد توجّه نمائيد و بنور اتّفاق منوّر گرديد، لوجه الله در مقرّی حاضر شويد و آنچه سبب اختلاف است از ميان برداريد تا جميع عالم بانوار نيّر اعظم فائز گردند و در يك مدينه وارد شوند وبر يك سرير جالس، اين مظلوم از اوّل ايّام الى حين مقصودی جز آنكه ذكر شد نداشته و ندارد، شكّی نيست جميع احزاب بافق اعلى متوجّهند و بامر حق عامل نظر بمقتضيات عصر اوامر و احكام مختلف شده و لكن كل مِنْ عِنْدِ اللهِ بوده و از نزد او نازل شده و بعضی از امورهم از عناد ظاهر گشته، باری بعضد ايقان اصنام اوهام و اختلاف را بشكنيد و باتّحاد و اتّفاق تمسّك نمائيد، اين است كلمهٴ عليا كه از امّ الكتاب نازل شده يَشْهَدُ بِذلِكَ لِسانُ الْعَظَمَةِ فِيْ مَقامِهِ الرَّفِيْعِ، آنجناب و ساير اوليا بايد باصلاح عالم و رفع اختلاف امم تمسّك نمايند و جهد بليغ مبذول دارند إِنَّهُ هُوَ الْمُؤَيِّدُ الْحَكِيْمُ وَهُوَ الْمُشْفِقُ الْكَرِيْمُ. انشآء الله بعنايت الهی فائز باشيد وَبِما يُهَذَّبُ بِهِ أَخْلاقُ الْعِبادِ متوجّه و ناطق، يا طبيب ناس غافلند و مربّی لازم دارند و بمعلّم محتاجند بايد بعنايات اطبّای الهی و حكمای عصر امراض خود را بيابند و در صدد معالجه بر آيند، جهد نمائيد كه شايد ناس غافل ثمرهٴ اعمال حسنه و اخلاق مرضيّه را ادراك نمايند، اگر باين مقام فائز شوند هر يك خود را مصلح و مهذّب و موصل غافلين و تاركين مشاهده نمايند، قلم مظلوم در اكثر احيان بمحبّت و شفقت و اتّحاد امر فرموده و نصرت مذكورهٴ در الواح را بتصريح تمام ذكر نموده معذلك ملاحظه ميشود بعضی فساد را اصلاح دانسته‌اند و از نصرت شمرده‌اند، لا فَوَ الَّذِيْ خَلَقَ الْعالَمَ بِكَلِمَةٍ مِنْ عِنْدِهِ نصرت امر الله بحكمت و بيان بوده و آن هم بكمال روح و ريحان معلّق گشته، از حق ميطلبيم جميع را مؤيّد فرمايد بآنچه اليوم سزاوار است، بگو ای عباد از برای عمار عالم از عدم بعرصهٴ وجود آمده‌اند فساد و جدال شان انسان نبوده و نيست، اليوم اگر نفسی سبب حزن نفسی شود مِنْ أَيِّ مِلَّةٍ كانَ لدى المظلوم محبوب نبوده يَشْهَدُ بِذلِكَ لِسانُ ظاهِرِيْ وَلِسانُ باطِنِيْ وَعَنْ وَرائِهِما كُلُّ عارِفٍ بَصِيْرٍ وَكُلُّ عالِمٍ سَمِيْعٍ، اصل مذهب كه از سمآء امر الهی نازل شده مقصود اتّحاد و اتّفاق خلق بوده، يا طبيب حال ملاحظه كن كه اين گوهر پاك چگونه بغبار اوهام آلوده گشته و از ظلم نادانان بمقامی رسيده كه سبب و علّت بغضا ما بين عباد الله شده، اين است زلال كوثر بيان كه از ملكوت علم الهی جاری گشته طوبى از برای نفسی كه تقرّب جست و باسم حق از او نوشيد، اميد چنان است كه اهل بها بِما أَرادَهُ اللهُ فائز شوند و مطلع الفت و اتّحاد گردند كه شايد بعنايت الهی و فيوضات رحمانی سبب اصلاح عالم و تعمير آن گردند، دوستان ارض را از قبل اين غريب تكبير و سلام برسان و بگو انشآء الله بكمال حكمت بذكر دوست مشغول باشيد بشانی كه اذكار شما در قلوب تاثير نمايد، و وصيّت ميكنيم شما را برافت و رحمت و حلم و امانت و صدق كه شايد عالم تيره بعنايت سراجهای اخلاق مرضيّه و اعمال طيّبه روشن و منير گردد، اينست معنی نصرت كه در كتاب نازل شده، اگر از نفسی اليوم عملی ظاهر شود كه سبب ابتلا و ضرّ نفسی گردد فی الحقيقه آن عمل بمظلوم راجع است، اتَّقُوا يا أَحِبَّائِيْ عَنْ كُلِّ ما يَكْرَهُها الْعُقُوْلُ كَذلِكَ يَنْصَحُكُمْ قَلَمِيْ وَيُوْصِيْكُمْ لِسانِي الصّادِقُ الأَمِيْنُ، أَنْتُمْ أَمامَ عَيْنِيْ نَذْكُرُكُمْ وَنَتَكلَّمُ مَعَكُمْ وَنُبَشِّرُكُمْ بِما قُدِّرَ لِلْمُخْلِصِيْنَ فِيْ مَلَكُوْتِ اللهِ رَبِّ الْعالَمِيْنَ.